

دستیاری نکرده باشد، نمی تواند وارد سینما شود و ما هنوز در این مورد خیلی عقب هستیم. شما می گوید تعدادشان زیاد شده، به این علت که زن ها بسوادتر و آگاه تر شده اند این اتفاق افتاده اما هنوز آن ایدئالی که ما می خواهیم نیست. شما سوال کردید که این اتفاق برای همه رخ می دهد؟ خیر، هنوز اینطور نیست. برای اینکه صفات زن در جامعه تجلی کند جو باز تر شده اما تمام زنان از این موقعیت بهره مند نیستند. در خارج اگر فرزندت را به مدرسه ی سینمایی و یا دانشگاه سینمایی بفرستی می دانی که اگر با استعداد باشد فیلم سازی می شود اما در اینجا هنوز اینطور نیست.

به عنوان یک زن فعال فکر می کنید چقدر موانع زنان در هنر دهه نود و در حال حاضر کمتر شده و راه برای فعالیت آن ها بیشتر باز شده است؟ خود شما فکر می کنید که برای ساخت اثر در سینمای ایران و یا روی صحنه بردن یک نمایش دغدغه ی کمتری به لحاظ آماده سازی یک پروژه دارید و موانع برای شما کمتر و سهیل تر شده است؟

دهه نود دهه قانون گذاری های بیهوده مدیریتی در عرصه ی تئاتر، نشر و سینما بود. یعنی مدام مدیر ها عوض شدند، حتی ما تغییر وزیر ارشاد داشتیم و این تغییرات باعث شد تا مدیر های سلیقه ای بر سر کار آیند. گاهی اوقات مشکل داشتیم و گاهی اوقات خیر اما برای من نسبت به دهه های قبل دهه ی بسیار سختی بود. دهه نود، دهه تسهیل فیلم سازی و یا قانون گذاری برای زن ها نبود؛ یعنی کسی نیامد که این موقعیت را تسهیل کند. زنان جوان و باهوش که سن کاری شان به دهه نود می خورد رشد خوبی داشتند و حتی خیلی از آن ها مدیر و سرپرست شدند اما زنانی که در نسل های قبل تر مطرح بودند اتفاقا تنبیه شدند! برای مثال تهمینه میلانی و یا پوران درخشنده. ممکن است بگویند چون جوان تر بودند بیشتر فیلم می ساختند اما علت کم کاری آن ها فقط این نیست. اگر با خودشان مصاحبه کنید علت هایش را می گویند، آن ها دهه هشتاد خیلی فعال تر بودند. من می توانم بگویم که دختران جوان ما زیاد شدند. نرگس آبیاری که از نسل من است اما دختران جوانمان، دخترانی که دهه شصتی هستند، در حال حاضر فیلم های خیلی موفقی هم در جهان می سازند و حتی فیلم کوتاه های آن ها جایزه می گیرند و به زودی فیلمسازان بزرگی می شوند. پس اینطور نتیجه می گیرم که مدیران ما در دهه نود قوانینی وضع نکردند که به نفع زنان باشد و زنان تلاش بیشتری به خرج دادند. زنی مثل من، یا زن میان سالی که می خواست نتیجه ی توانایی هایش را ببیند و بهره برد اتفاقا دچار چالش بیشتری می شد. به این دلیل که با مدیران قبلی هم نسل بود و با آن ها بزرگ شده بود اما مدیران جدید از او خیلی کوچک تر هستند. مدیران ما حداقل در جاهایی که من کار

پول لازم است. برای مثال من می دانم که ادیت چه دستگاه ها و سیستم های خوبی می خواهد و بچه ها پول ندارند که به آن سمت بروند.

اما مهم ترین اتفاقی که افتاده فیلم سازی زنان در دهه نود است. زنانی مثل آیدا پناهنده، نرگس آبیاری، شما، پوران درخشنده، مرجان اشرفی زاده و کارگردان های دیگر که حتی توجه بین المللی را هم جلب کرده اند، اتفاقی که در مورد نرگس آبیاری و پوران درخشنده افتاد. می شود گفت که این مساله به نوعی بازپس گیری حقوق زنان در سینما هم هست. شما چطور به این قضیه نگاه می کنید؟ آیا فکر می کنید این موضوع ممکن است برای همه اتفاق بیفتد یا فقط برای بعضی از زن ها و با قدرت هایی که دارند امکان پذیر است؟

زن هایی که فیلم کوتاه می سازند هم خیلی زیاد شده اند. یک لیست بلند بالا هستند که از جشنواره های خارجی جایزه می گیرند. این اتفاق خود به خود در طول زمان می افتد یعنی زن هانمی توانند در زندگی هنری همیشه ساکت و نقش دوم باشند. یادم هست پروانه معصومی می گفت در فیلمنامه هایی که در دوران مانوشتنه می شدند تزئین فیلم بود. در حال حاضر اینطور نیست و نسل خود به خود عوض شده است. در حال حاضر هر فیلمنامه ای را که جایزه ی اسکار گرفته است می خوانم، می بینم که با نقش محوری زن است و یا زنی که در فیلم مسیر فیلم را هدایت می کند. اما در رابطه با سوال شما فکر می کنم که خیر، این اتفاق برای همه ی زن ها پیش نمی آید. خیلی راحت بگویم، خیلی کار داریم تا برای مثال به کشوری مثل استرالیا برسیم که هر کسی فارغ از مرد یا زن بودن درس سینما را خوانده باشد، خیلی راحت از امکانات مساوی بهره مند شود. نیکول کیدمن در یک مصاحبه گفت دختر بزرگ من به کارگردانی علاقه دارد و به او گفته ام پس به شغلی علاقه داری که می توانی یک عالمه کار پیدا کنی. من چیستا یثربی در دلم گفتم یک کارگردان زن در آنجا خیلی کار پیدا می کند؟ و دیدم که نود درصد کارهای نیکول کیدمن با کارگردان های زن بوده که در جامعه ی ما خیلی کم رنگ تر است و روابطی را می خواهد که با همسرشان تهیه کننده باشد و یا به هر حال تهیه کننده ی مرد آشنایی داشته باشند.

بنابر این همانطور که گفتم در طول زمان که زن ها استعدادهایشان را نشان می دهند خود به خود این اتفاق می افتد ولی در جامعه ی ما هنوز بسیار کند است. به این دلیل که فقط زنان در این عرصه توانستند موفق شوند که از دستیاری و یا منشی صحنه بودن شروع کردند و یا همسر سینمایی دارند، یعنی به هر حال یک ارتباطاتی داشته اند. اگر یک نفر در دانشگاه سینما بخواند و هیچ ارتباط دیگری نداشته باشد؛ برای مثال نه همسر سینمایی و نه پول داشته باشد و نه با استادی کار کرده باشد و یا منشی صحنه و



گاهی حتی در تهیه کنندگی هم می بینیم اما هنوز در عرصه هایی مثل فیلم برداری، صداگذاری و سرمایه گذاری نقش زنان کم رنگ تر است و شاید بتوان گفت که اصلا حضور ندارند. تحلیل شما از این موضوع چیست؟ به نظر شما چرا این اتفاق افتاده و چطور می شود اعتماد را بیشتر کرد تا در این حوزه ها هم حضور زنان پررنگ شود؟

من فکر می کنم زنان یا خیلی به مسائل مالی علاقه ندارند و یا پول سرمایه گذاری ندارند. صداگذاری و ادیت هم کاری نیست که هر کسی آن را دوست داشته باشد اما عرصه هایی مثل فیلمنامه نویسی، بازیگری، منشی صحنه و دستیاری را دوست دارند. اول بحث علاقه است، دوم اینکه زنان هنوز از نظر مالی در ایران خیلی ضعیف هستند. خودم را مثال می زنم. ما در حال حاضر خانم های تهیه کننده خیلی داریم، خانم هایی که فقط تهیه کننده هستند و خودشان کارگردانی نمی کنند اما من جزو آن ها نیستم؛ من سرمایه ندارم و علاقه ای هم به بحث مالی ندارم. فکر می کنم بخشی از آن به علاقه برمی گردد و بخشی به این علت است که زن های مادر حال حاضر از نظر مالی خیلی کامل مستقل نیستند. همانطور که گفتم قوانین مادر را به رابطه با زنان خیلی می لنگد. در حال حاضر نسبت به دهه ما، دهه چهل، پنجاه و شصت بهتر شده اما هنوز در باره حقوق شهروندی زنان در ایران خلایق قانونی فراوانی وجود دارد.

از طرفی صداگذاری و مواردی از این دست یک چیز خیلی ذوقی است اما بازی برای همه جذاب است و یا کارگردانی هم خیلی جذابیت دارد. بنابر این با علاقه ندارند و یا اینکه برای آن بخش ها



دهه نود دهه قانون گذاری های بیهوده مدیریتی در عرصه ی تئاتر، نشر و سینما بود. یعنی مدام مدیر ها عوض شدند، حتی ما تغییر وزیر ارشاد داشتیم و این تغییرات باعث شد تا مدیر های سلیقه ای بر سر کار آیند. گاهی اوقات مشکل داشتیم و گاهی اوقات خیر اما برای من نسبت به دهه های قبل دهه ی بسیار سختی بود.